

پرسون باید ها و نبایدهای تشکیل سازمان طب ایرانی اسلامی را بررسی می کند؛

آیا طب سنتی از نظام پزشکی مجوز می گیرد؟

در تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال گذشته، طرح پر سر و صدای تشکیل سازمان طب ایرانی اسلامی با امضای ۲۶ نماینده تقدیم مجلس شد. و حضور پر رنگ نمایندگان اصفهانی در این لایحه قابل توجه و تامل بود لایحه ای که بیم ها و امید های زیادی را بر انگیزته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، اکنون، دلایل توجیهی ایجاد سازمان طب سنتی، اینگونه عنوان شد ه است که؛ براساس مطالعات تطبیقی، طب مکمل، یکی از رشته های مورد توجه در امر پزشکی در سراسر دنیاست و در اکثر کشورها علاوه بر طب نوین از طب مکمل برای پیشگیری از بیماری ها استفاده می شود. دلایل دینی برای استحکام نظریه تشکیل سازمان طب ایرانی با استناد به آیات و روایات است که در حال حاضر برخی از متخصصین با استفاده از این آموزه ها به ایجاد شاخه ای از طب مکمل، تحت عنوان طب اسلامی پرداخته اند.

به نقل آنها این شاخه از طب در سراسر کشور توسعه یافته است و از طرفی برخی افراد غیرمتخصص در این حوزه اقدام به سوءاستفاده می کنند، بنابراین با همین منطق؛ گفته شد لازم است که این رشته از طب تحت نظارت یک سازمان قانونی فعالیت کند و صدور مجوز فعالیت آن و همچنین برخورد با متخلفان و بررسی تخلف آنها توسط این سازمان انجام شود.

اما آیا صرفا با تکیه بر آیات و روایات؛ و باورهای سنتی، موضوع، بدون بررسی کامل و شنیدن نقطه نظرات متخصصان جامعه پزشکی و ایرادات علمی و متقنی که به آن وارد شده است! برای ارایه به مجلس کافیسست؟! مسئله ای که مستقیما با جان انسان ها در رابطه است و هر گونه تصمیم گیری بدون پشتوانه تحقیقاتی را بر نمی تابد. البته ناگفته نماند فشارفضای سیاسی حاکم؛ با توجه به نزدیک شدن انتخابات پر سر و صدای ۱۴۰۰ هم پر بیراه نیست؟! و شاید هم کمی بیشتر...

با این تفاسیر اما در این بین نگرانی های جامعه پزشکی جدی تر از همیشه به گوش می رسد. نگرانی هایی که شاید هر کدامش دلیلی باشد برای رد این تصمیم یا بازبینی مجدد آن با مشورت مستقیم جامعه پزشکی، جامعه ای که این روزها و در یکسال اخیردر مدیریت کرونا با تمام کمبودها و دیدگاه های انتقادی کارش را به شایسته ترین شکل ممکن انجام داده است.

در هر حال، این جامعه نخبه ۱۰۰درصد توانش را گذاشته تا درمیان همه شانتاژهای چپ و راست، این پاندمی را مهار کند و هر چه بیشتر جان مردم را حفظ نماید.

حالا سوالات و چالش هایی که جامعه پزشکی از طراحان این لایحه می پرسند را می توان از چند بعد مورد بررسی قرار داد که در ذیل؛ به طرح این موضوعات می پردازیم و می خواهیم به این مهم دست پیدا کنیم که بایدها و نبایدهای ورود طب ایرانی اسلامی(سنتی) به دنیای پزشکی تا چه حد امکان پذیر خواهد بود. بنابراین در جلسه هم اندیشی طب ایرانی اسلامی که به همین منظور وبا حضور نخبگان و متخصصان نظام پزشکی ایران و اصفهان به این سوالات پاسخ داده شد.

و سوالی که گلچین این هم اندیشی بود و همه پزشکان و متخصصان به اتفاق در آن هم آرا بودند اینکه آیا ارایه این طرح به مجلس محلی از اعراب دارد؟! و با تاکید بر عدم صلاحیت هر فردی که از کانال هایی غیر از نظام پزشکی اقدام به کارهای درمانی کند محکوم است!

موضوعی که عباسعلی خادمی، رئیس شورای هماهنگی نظام پزشکی های استان اصفهان نیز آن را تایید می کند اما این عضو جامعه پزشکی پیشنهاد می کند که با توجه به پیشینه طب سنتی و تدریس آن در دانشکده های پزشکی، در واقع این مقوله باید جزوی از بدنه طبابت مدرن باشد. اما؛ محسن مصلحی، قائم مقام سازمان نظام پزشکی اصفهان و رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی پزشکان استان با ابراز نگرانی از مطرح شدن این لایحه؛ تاکید می کند که حوزه سلامت به ویژه در دهه های اخیر با تهدیدها و مخاطرات زیادی مواجه بوده و در این میان جامعه پزشکی انواع و اقسام ناملایمات و معضلات اعم از تعرفه های ناعادلانه، هجمه های رسانه ای، بد اخلاقی های مالیاتی و... را تحمل کرده است و با این حال همواره در کنار مردم به خدمت پرداخته است.

مصلحی از جمله پزشکانی است که با این طرح به شدت مخالف است وقائل به این باور می باشد که همواره مداخلات افراد غیر متخصص و فاقد صلاحیت های لازم با سو استفاده از مسایل و باورهای دینی منجر به خطر افتادن سلامت جامعه و وارد شدن خدشه به حوزه سلامت می باشد. مصلحی ارائه طب سنتی و مکمل را مشروط به آن دانست که توسط افراد دارای صلاحیت و تحت نظر مراجع معتبر علمی اداره شود.

مصلحی نیزمخالفت خود با این طرح بدون نظارت و گذراندن دوره های لازم پایه و بالینی را اعلام کرد.

سیاوش صحت، رئیس انجمن جراحان عمومی ایران یکی از مهمانان برجسته این هم اندیشی توضیحاتی در باره طب سنتی داد و اینکه این طب دارای جایگاه والایی در ایران بوده وامروز هم روز به روز درحال پیشرفت است و علم پزشکی باسرعت درحال جلو رفتن است. صحت، معتقد است طب سنتی به اشتباه طب اسلامی نامیده می شود چرا که مطالب بی اساسی در این رابطه گفته شده که وجهه طب سنتی را نیز خراب می کند.

رئیس انجمن جراحان از دغدغه خود گفت و آن اینکه؛ مردم به خوبی مداوا شوند و ما نیز تمام هم و غم و دانش خود را برای مردم بگذاریم. صحت هم از مخالفان ورود این لایحه به مجلس است و معتقد است حتما باید اداره طب سنتی به جامعه پزشکی واگذار شود.

تا اینجا به نظر می آید نگرانی های جامعه پزشکی بر این ادعا استوار است که نگاه غیر علمی و ورود افراد غیر متخصص به مقوله درمان اثرات جبران ناپذیری برای سلامت جامعه خواهد داشت و مخاطرات آن چنانچه از حوزه متخصصان درمان خارج شود بیشتر از فوایدش می باشد.

امامی، فوق تخصص گوارش و کبد از جمله متخصصانی بود که نظر خود را به صورتی متفاوت بیان کرد چرا که او معتقد است هر موضوعی که مورد تایید علم واقع شود لاکن مورد تایید اسلام نیز هست. از نظر وی هر مبحثی از جمله جدا کردن و نام گذاری به طب مدرن و سنتی انحراف جدی است و معیار همه پزشکان مورد تایید اسلام و اسلامی است. امامی با اعتقاد به الهی بودن همه معیارها در درمان، غیر اسلامی خواندن در مان مدرن را انحراف جدی می داند که می طلبد با کمک علما و مراجع تقلید از این انحراف جلوگیری شود.

حسن رزمجو، استاد تمام چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نیز با تکمیل نظرات دکتر امامی معتقد است یادگیری طب سنتی می طلبد که در ابتدا طب جدید فرا گرفته شود و تجویز و درمان با علم به طب جدید و کمک از طب سنتی انجام پذیرد.

البته ابراز نگرانی های گسترده پزشکان این موضوع را پر رنگ می کند که چرا قبل از ارایه طرح این لایحه با وجود مسایل مطرح شده کمی تامل بیشتر صورت نگرفته است؛ آیا مقصر این غفلت نظام پزشکی و جامعه پزشکان است یا فضایی که نگاه حاکم جامعه نسبت به این طبقه اجتماعی را ترسیم می کند فضایی شیشه ای که به گفته منتقدان نگاه از بالا به پایین، حایلی میان مردم و جامعه پزشکی ایجاد کرده است؟

جامعه ای که در فضای تبلیغات رسانه ای و سنتی و در حال گذار بیش از پیش به در مان های مکمل اعتماد کرده است. سایه روشن این مسئله در این باور خلاصه می شود که درمان سنتی هیچ گونه آثار سوایی برای جامعه ندارد اگر چه سودی هم در آن نهفته نباشد! تفکری که به اعتقاد غلامحسین صادقیان، رئیس انجمن داروسازی استان اصفهان، اقبال گسترده به طب سنتی را بدون مدیریت علمی فاجعه ای جبران ناپذیر می داند، و بی اعتنایی نظام پزشکی به آن یکی از حالت های تدافعی و محافظه کارانه ای بود که امروز در جامعه آثار سو آن کاملا مشهود است.

صادقیان، پیشنهاد می کند با قبول موضوع به جای نفی آن با نمایندگان اصفهانی، این طرح مدیریت شود، چرا که تجربه مخالفت ناموفق با عطاری ها، باعث رونق آن ها و مداخلات بیش از پیش در امور پزشکی شد. پس باید با استفاده از ظرفیت نظام پزشکی از تشکیل نظام های موازی جلوگیری کرد.

آیا طرح این موضوع که باید با مطرح کنندگان لایحه ایجاد سازمان طب سنتی گفت و گو کرد عقب نشینی از مواضع مطروحه است یا این فرض که نگاه سلبی به پیشرفت طرح کمک خواهد کرد. این لجبازی با چه کسانی خواهد بود؟ مردم یا جامعه پزشکی؟! و اینکه طب سنتی جایگزین طب جدید است؟!

سید علی فاطمی، نایب رئیس انجمن داروسازان ایران به این سوال اینگونه پاسخ می دهد که طب سنتی ما بخشی از طب و مکمل آن است نه جایگزین. بنابراین باید کمیته و کارگروهی تشکیل و تجربیات جهانی را استخراج کند و به عنوان نظر مشورتی در اختیار مجلس قرار دهد.

علی شکرچی زاده، عضو انجمن صنفی پزشکان استان اصفهان اما وظیفه دستگاه های اجرایی را برای عدم ورود افراد بدون صلاحیت پر رنگ تر می داند. و البته نظرات دیگری در این جلسه مطرح شد که در قالب جمع بندی و گزینشی به آن می پردازیم.

پیشنهاداتی که در این جلسه هم اندیشی مطرح شد به شرح زیر می باشد؛

تشکیل کارگروه برای ارایه تجربیات جهانی و ارایه به مجلس
مذاکره با نمایندگان مجلس برای جلوگیری از موازی کاری و رسیدن به نتیجه ای مطلوب
استفاده از قوانین نظام پزشکی به عنوان ابزاری برای ممانعت از موازی کاری
هم اندیشی و بهره گیری از علما و مراجع برای جلوگیری از نگاه غیر علمی به طب
گنجاندن واحد های طب سنتی در رشته های پزشکی
استناد به قوانین و انطباق با اصل ۲۸ قانون اساسی برای جلوگیری از تصویب لایحه غیر علمی
ایجاد مرکز ملی طب مکمل زیر نظر انجمن های علمی
فرهنگ سازی برای استفاده صحیح از طب مکمل زیر نظر طب جدید
آسیب شناسی اجتماعی با کمک رسانه ها

کلام آخر؛ حتی در کتاب هاریسون هم جایگاه ویژه ای به طب مکمل داده شده است و البته پیشنهاد جدا شدن طب مکمل که به صورت سازمانی مستقل با اختیاراتی همانند طب جدید در خور تامل و بررسی و تحقیق است.

رد این مسئله می طلبد متخصصان و انجمن های علمی فارق از هیجانات غیر علمی با دلایلی متقن و ارایه راهکار، نگرانی های جامعه پزشکی را مرتفع سازند.

اما این موضوع نباید صرفاً حالتی تدافعی برای حمایت از سازمان نظام پزشکی از پزشکانش در مقابل طب مکمل ایجاد کند، چرا که طب مکمل جزیی جدایی ناپذیر از طب جدید است و می تواند با قرار گرفتن در زیر مجموعه آن به صورت آکادمیک رشد کند.

بنابراین؛ پتانسیل های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طب مکمل نباید نادیده گرفته شود. بلکه باید در جهت شکوفایی و پیشرفت علم از آن بهره مند شد.

نویسنده: نرگس رضایی- روزنامه نگار